

آینه

انتقاد

خویشاوندپروری، **زدسالاری** و **دولت‌گانگستری**

● **سعید حجابیان:** ... پدیده‌ای که امروزه با آن سروکار داریم، فراتر از موارد پیش گفته است. پدیده‌ای نوین که آن را «خویشاوندپروری» (nepotism) می‌نامند... یعنی استفاده از سرمایه عمومی برای امری خصوصی و حتی شخصی... نپوتیسم پدیده‌ای است که طی آن رابطه به‌جای ضابطه می‌نشیند و ارادت جای لیاقت را می‌گیرد و در نتیجه نظام سیاسی از شایسته‌سالاری دور شده و به سمت جامی‌پروری میل می‌کند؛ یعنی عده‌ای به‌عنوان پدر و پدربزرگ نقش حامی (pa- tron) را بازی کرده و عده‌ای در قامت حمایت‌شونده (client) در می‌آیند... به معنای دزدسالاری است. در رژیم‌های کلیتوکراتیک وضعیتی حاکم است که طی آن رهبران به طرز سازماندهی‌شده از قدرت خود به منظور چپاول جامعه تحت کنترل‌شان استفاده می‌کنند... توجه به خصوصیات رهبران رژیم‌های دزدسالار نیز حائز اهمیت است. رهبران این رژیم‌ها باید یک‌سالار باشند. فرمانبرداری محض را ترویج و عقل‌گرایی را تعطیل کنند چراکه نمی‌توانند نزد زیدستان پاسخ‌گوی فعالیت اقتصادی‌شان باشند... دو مفهوم «خویشاوندپروری» و «زدسالاری» در نقطه‌ای دست در دست یکدیگر می‌دهند. چنانچه دولت (state) به لحاظ سیاسی از چند مافیا به ترتیبی که پیش‌تر ذکر آن رفت، شکل بگیرد، آن را دولت گانگستری (gangster state) می‌گویند... کشورهایی که تا حد زیادی به نفت وابستگی دارند و نفت چون خون در رگ اقتصادشان جریان دارد، همواره بستر رشد گروه‌های گانگستری بوده‌اند... رانت پول نیز وجود دارد؛ برخ باند‌های پولی در قالب مؤسسات مالی اقدام به جذب سپرده می‌کنند، در مقطعی از مسئولیت‌شان خالی می‌کنند و در نهایت دولت مجبور به بازپرداخت تعهدات‌شان می‌شود... رژیم‌های گانگستری در مقابل هجوم خارجی به‌شدت شکننده هستند؛ چراکه همبستگی اجتماعی در آنها به‌شدت رو به افول است. از این گذشته آن دسته از عوامل خارجی که آشنایی کاملی با این قبیل نظام‌ها دارند، می‌توانند بدون شلیک حتی یک تیر آن را زیر و زیر کنند. چنان‌که ماروین زونیس در کتاب «بخنگیان سیاسی در ایران» نشان می‌دهد، رژیم شاه چنین رژیمی بوده است. رژیم‌های گانگستری دین‌گریزی را شدت می‌دهند به‌خصوص اگر عنصر دین در خدمت رژیم درآید... دولت گانگستری نمی‌تواند به سمت یازتوزیع منابع حرکت کند، زیرا هر کالایی که بنا بر توزیع آن است، در میانه راه توسط یک باند بلعیده می‌شود.

آفتاب

دلخوری تاج‌زاده‌برای روحانی مهم‌نیست

● **در گفت‌وگو با صادق زیباکلام:** حسن روحانی می‌داند که دیگر آینده سیاسی‌اش در گرو صندوق رأی نیست؛ بنابراین این مسئله که رئیس دولت اصلاحات یا مصطفی تاج‌زاده و اسحاق جهانگیری از او رنجیده‌خاطر شوند خیلی برای روحانی اهمیتی ندارد. روحانی فکر می‌کند که از آلا به بعد به حمایت اصولگرایان بیشتر احتیاج دارد تا اصلاح‌طلبان. آقای روحانی می‌داند که برای حفظ آینده سیاسی خود باید حمایت اصولگرایان را داشته باشد... تا زمانی که آنها [شورای نگهبان] بر منوال فعلی حرکت کنند، رویای ریاست‌جمهوری مصطفی تاج‌زاده وهمی بیش نیست.

جمهوری اسلامی

جهت‌اطلاع

● داریوش همایون، وزیر اطلاعات رژیم پهلوی می‌گوید هرگونه تلاش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، خطر تجزیه و یا حتی موجو نام ایران را در بر خواهد داشت... وی که معاون حزب رستخیز هم بود در یک مصاحبه درباره استراتژی موردنظر خود برای آینده ایران گفت در شرایط کنونی که هزاران دست برای اتفاقات مهم منظر است، برای من اولین اولویت حفظ ایران است و در استراتژی براندازی جمهوری اسلامی تجدیدنظر کرده‌ام. ابوالحسن بنی‌صدر هم با دروغ‌گودانستن ترامپ که مدعی حمایت از مردم ایران است، می‌گوید ترامپ که مایه مسخره دنیاست باید بداند مردم ایران زیر بار او نخواهند رفت... وی افزود: وابسته‌ها بداندن قربانی مستقیم تحریم‌های آمریکا مردم ایران هستند. آمریکا در موقعیتی نیست که بتواند اهداف خود را در ایران محقق کند و وابسته‌ها خیال نکنند آمریکا برای آنها قرض قرض پهن می‌کند. مردم ایران با تمام توان از استقلال و آزادی خود دفاع می‌کنند.

فراتحلیل سخنان وزیر خارجه آمریکا

● **عبدالله کتبی:** محتوای دومین سخنرانی وزیر امور خارجه آمریکا در جمع سلطنت‌طلبان و منافقین از مهندسی خاصی برخوردار بود که فراتر از متن باید مورد توجه قرار گیرد... اولین ویژگی حاکم بر سخنان وی زیرشدن بر مسائل جزئی - شخصی در ایران است. نام‌بردن از افراد و اعلام عدد و رقم فساد نشان می‌دهد که جامعه هدف وی عوام جامعه هستند و هدف‌گذاری «تحریک اجتماعی» با هدف به‌میدان‌آمدن فرودستان است. سخنان وی هیچ قربانی با روشنفکران و طبقات برتر اجتماعی-تحصیلی ندارد. دوم، مدل مفهومی سخنان وی است که متمرکز به دوگانه معیشت-فساد است، بدین معنی که مشکلات معیشتی در ایران ریشه در فساد حاکمان دارد که برای معتبرسازی آن به ارقام اشاره می‌کنند و اشخاص را مثال می‌زنند.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
دبیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.
روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

دال نمادین آمریکا

جلال رحمانی

آن سخن می‌گفتیم. از این همه می‌توان بیشتر به عمق و درون رفت. آمریکا به‌عنوان یک عامل و بازیگر بیرونی، نشان گسستی عمیق در درون ما نیز بود. شهر پر از مظاهر گناه بود. خیلی‌ها در فضای شهر، با دامن به گناه آلوده کرده بودند یا دست‌کم، در درون پر از وسوسه گناه بودند. گناه، مثل یک ساختار اجتناب‌ناپذیر، دامن خیلی‌ها را گرفته بود. راه‌بی از این‌همه وسوسه امکان‌پذیر نبود، مگر با یافتن عاملی که ما را در ورطه فساد انداخته باشد. شهر مظهر زندگی به سبکی بود که آمریکا مصداق و نماد تام و تمام آن به حساب می‌آمد. چنین بود که سنتز با آمریکا و خشم از او، با احساسی معنوی و حس پرهیزکاری در درون همراه بود. ما با آن خشم و نفرت از گسیختگی درون نیز راه‌بی می‌یافتیم-با پیروزی انقلاب و استقرار یک نظام سیاسی جایگزین، دولت با سنتیز با آمریکا، به‌منزله یک رسالت و یک استعاره با کارکردهای فراوان، همچنان در ساختارهای سخن رسمی تداوم یافت، اما به‌تدریج، آن و جبهه پیوندزنده درونی سست شد. کم‌کم امکان توضیح گسیختگی‌های اجتماعی و فرهنگی و عقب‌ماندگی‌های ملی از یک سو و گسیختگی‌های درونی و هویتی از سوی دیگر، به‌مدد آن دیگری ناممکن شد. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی هیچ‌گاه رخت برنست. دولت از زمانی که عهده‌دار روایت سازندگی و توسعه و پیشرفت شد، خود ترویج‌کننده بسیاری از همان مظاهر شد. دولت از یکسو برای ایفای وظایف خود به‌عنوان یک دولت



نمای داخلی از مجلس شورای ملی

مهم این بود که در اعمال تفحص انگیزه‌های جناحی دخالت داشت. درمجموع مجلس ششم اگرچه در بخش تفحص از نظر آماری کارنامه بهتری داشت، اما از نظر کارآمدی، چندان تفاوتی با دوران قبل نداشت. البته پنج مورد درخواست استیضاح (که ۵۵/ درصد از کل دو دوره بود) با اندکی بییش از یک درصد از تعداد کل، نشانه رشد آن بود.

در دوره هفتم در ۳۰۰ جلسه، از ۱۹۳ سؤال، ۵۱ مورد آن در صحن علنی طرح شد. به‌این‌ترتیب مجلس هفتم با احتساب این موارد، حدود ۱۷ درصد از وقت خود را صرف کرد که بیشترین آنها در بخش اقتصادی در حدود ۵۱ درصد طرح شد. وزارت کشور، امور خارجه، ارشاد و آموزش‌وپرورش به‌ترتیب در صدر سایر وزارتخانه‌ها قرار گرفتند. از کل سؤالات، حدود ۵۵ درصد در حوزه‌های نمایندگی و ۴۵ درصد در حوزه مسائل ملی طرح شد. در این دوره تعداد ۱۶ مورد درخواست تفحص شد که در مقایسه با کل جلسات، اندکی بیش از پنج درصد می‌شود. درمجموع جهت‌گیری دوره هفتم نسبت به مسائل فرهنگی و اجتماعی بیش از اقتصادی بود. در بخش تفحص، تمرکز بر مسائل ملی به میزان ۷۵ درصد

بیشترین تراکم سؤال در حوزه مسائل اقتصادی حدود ۶۵ درصد بود. سه مورد درخواست استیضاح شد که در مقایسه با کل جلسات، ۶۷ درصد برآورد شد.

در دوره ششم از ۲۷۸ سؤال تنها ۱۵۶ مورد در صحن علنی طرح شد که در مقایسه با تعداد کل، اندکی بیش از ۶۷ درصد محاسبه می‌شود که به تفکیک در حوزه اقتصادی حدود ۹۸ درصد، در حوزه سیاسی حدود ۲۳ درصد و در حوزه فرهنگی اندکی بیش از ۵۸ درصد سؤال شد. در این دوره ضریب توجه مجلس به وزارت کشور، اندکی بیش از ۲۴ درصد بود. به‌طورکلی وضعیت نسبتاً متعادل در نظارت بر وزارتخانه‌ها در این دوره قابل مشاهده است.

درمجموع اندکی بیش از حدود ۱۲ درصد در حوزه مسائل منطقه‌ای و ۸۸ درصد در سطح ملی سؤال شد. از مجموع ۲۲ مورد، ۱۵ مورد تفحص طرح شد که حدود پنج درصد از وقت مجلس را گرفت و حدود ۴۶ درصد آن در حوزه سیاسی طرح شد. مشاهده می‌شود جهت‌گیری سیاسی تفحص تا حدودی بیشتر است. بیشترین گزارش مربوط به نقض قانون در دستگاه‌هایی بود که مجلس از نظر قانونی قادر به اعمال نظارت بر آنها نبود. نکته

کودک آزاری، علت و معلول

حسام‌الدین شفاعی

پیشگیری کنیم، نیاز است بررسی علت و عوامل را محور قرار دهیم، نه اینکه صرفاً با معلول برخورد کنیم. چنانچه توانیم شرایط پدیدآورنده اینس جرائم را خنثی کنیم و کودکان را در فضایی امن قرار دهیم، هر روز امکان‌ش هست که با خبری ناگوار مواجه شویم.

متأسفانه آسبی که در این مسئله وجود دارد، این است که انگیزه‌ها و غرض‌ورزی‌های شخصی یا سیاسی را وارد بررسی علل کرده، در نتیجه از حقایق و ریشه‌های اساسی این رویدادها دور می‌شویم. بر بررسی عوامل تأثیرگذار باید تابه‌ویا موجود و ممانعت‌کننده را کنار گذاشت تا بتوانیم دقیق‌تر بکار، بزه‌دیده و شریاطی را که درآن بزه اتفاق می‌افتد، حلاجی کنیم؛ چراکه به پوشاندن و انکار آنچه در حال روی‌دادن است نمی‌توان درد را درمان کرد.

باید فراتر از نصوص قانونی و واکنش‌های قهری، دنبال راه چاره گشت و تشفی خاطر بزه‌دیده را تنها ملاک قرار ندهیم. سایر خرده‌نظام‌ها برای حل این معضل باید به کمک حقوق‌دانان، قضات و سیستم حقوقی بیایند، خیلی از اوقات وقوع این جرائم ناشی از ضعف آموزشی، اختلالات شخصیتی و روانی بزه‌کاران، اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی و تأثیر فضای رسانه‌ای است که باید به‌ه موارد فوق‌الذکر پرداخته شود.

از نکات مثبت لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، ماده ۱۶ و تبصره آن است که در این بخش قابل‌توجه است و بر وظیفه عمومی تک‌تک افراد جامعه مبنی‌بر اعلام جرم علیه کودکان‌ونوجوانان به مراجع صالح در صورت اطلاع، تأکید کرده و برای انجام‌ندادن این وظیفه ضمانت اجرای کیفری مشخص کرده است؛ بنابراین حل این ناهنجاری فقط با تدابیر مسئولان و عملکرد آنها امکان‌پذیر نیست، بلکه همگان باید برای

شماره

سال یازدهم • شماره ۳۲۰۴

ادامه از صفحه اول

مسیر مرگ و گرسنگی

درحالی‌که درحال حاضر ۸۰ میلیون دام در این مراتع چسرا می‌کنند. در ایران سالانه ۴٫۳ میلیارد تن خاک فرسوده می‌شود. سهم هر ایرانی از فرسایش خاک حدود ۳۵ میلیون تن تخمین زده می‌شود. میزان فرسایش خاک از ۱۹٫۷ تن در سال ۸۱ به ۲۵٫۸ تن در سال رسیده است. در لرستان رقم فرسایش خاک در سال در هر هکتار حدود ۳۵ تن است. یعنی به این ترتیب چیزی به عنوان امنیت غذایی وجود نخواهد داشت؛ چراکه خاک به‌عنوان منبع تأمین غذا به سرعت در حال اذدست‌رفتن است. علاوه‌براین عرصه‌هایی که بر اثر چرای مفرط پوشش گیاهی خود را از دست داده‌اند، خاک آنها نیز از طریق آب باران و سیلاب حمل شده و باعث پرشدن سدها و پایین‌آمدن ظرفیت ذخیره آب در سدها می‌شوند. فرسایش‌های بادی در این عرصه‌هایی که پوشش گیاهی آنها از بین برده شده است، عامل مهم دیگری در به‌وجودآمدن زیرگردها و گسترش کویرها به حساب می‌آید. یکی دیگر از عوامل تخریب خاک تغییر کاربری آن است. سالانه ۱۰ تا ۳۰ هزار هکتار از اراضی کشور ایران تغییر کاربری داده می‌شوند. این تغییر کاربری‌ها شامل تبدیل عرصه‌های منابع طبیعی به زمین کشاورزی، باغداری، صنعتی، ساختمان‌سازی، اتوبان و... است. آب، سویم فاکتور بعد از هوا و خاک است؛ یکی از بزرگ‌ترین معضلات زیست‌محیطی در جهان امروز، این مسئله به‌ویژه در کشوری مانند ایران که در منطقه خشک و نیمه‌خشک قرار دارد، وضعیتی فوق‌العاده بحرانی ایجاد می‌کند. افزایش تدریجی درجه حرارت هوا (فعالیت‌های انسانی و افزایش گازهای گلخانه‌ای) خشک‌سالی‌های مداوم سال‌های اخیر توأم با بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع طبیعی به‌ویژه جنگل‌زایی‌های سالانه بر شدت این بحران افزوده است. از ۶۰۰ دشت کشور ۲۹۱ دشت بحرانی تشخیص داده شده است.کسری جمععی آبخوان‌های کشور ایران از ۶۵ میلیارد متر مکعب به صد میلیارد متر مکعب کاهش یافته؛ این در حالی است که میزان بارندگی نیز شش درصد کاهش داشته و ۴۹ درصد کاهش آب ورودی به سدها کم شده است. کیفیت آب تنزل یافته و میزان شوری بیش از ۵۰ درصد آبخوان‌های کشور به بیش از دو هزار میکرو زئمنس بر سانتی‌متر مکعب رسیده است. از میان هزاران شهرک صنعتی فقط ۶۵ شهرک صنعتی تصفیه‌خانه پساب مجهز دارند، کمتر از ۲۰ درصد عمق تالاب انزلی در ۳۰ سال از ۱۴ متر به کمتر از دو متر کاهش یافته است. درارچه ارومیه، بختگان، هامون و جازمویران وضعیتی بسیار نامطلوب دارند. روزانه ۵۰ هزار تن پسماند عادی تولید می‌شود که از این رقم ۴۴ هزار تن آن به شکل نامناسب دفن می‌شوند، مجموع زباله‌های دفن‌شده هزار و ۵۰۰ مترمکعب شیرابه با نرخ آلودگی بسیار بالا تولید می‌کنند. سالانه ۱۷۰ میلیون تن پسماند کشاورزی تولید می‌شود که به شکل مدیریت‌نشده‌ای وارد محیط زیست می‌شوند.

سؤال این است: چه باید کرد؟ درکشورهای صنعتی فقط پنج، شش درصد مردم به شغل کشاورزی اشتغال دارند، درحالی‌که در اوایل قرن نوزدهم در این کشورها ۷۵ درصد مردم به شغل کشاورزی اشتغال داشتند. در این جوامع یک نفر به‌تنهایی غذای ۴۰ نفر را تأمین می‌کند، بدون اینکه خسارت زیان‌باری به محیط زیست وارد کند. در کشورهایی توسعه‌یافته تبدیل جنگل‌ها و مراتع به زمین‌های کشاورزی، کشت گیاهان دارینی و توسعه باغات میوه در عرصه‌های منابع طبیعی، رکود آب در تالاب‌ها و خشک‌شدن تدریجی آنها موارد دیگری از عوامل تخریب محیط زیست هستند که در کشورهای با آب‌وهوای خشک و نیمه‌خشک باعث خشک‌سالی بیشتر در کشور، فرسایش فزاینده خاک، گسترش کویرها و پراکندگی هرچه‌بیشتر ریزگردها می‌شوند. هرچه پوشش گیاهی مراتع انبوه‌تر و سطح جنگل‌ها گسترده‌تر و میزان رشد سالانه آنها بیشتر باشد، میزان جذب انیدریدکربنیک هوا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گازهای گلخانه‌ای نیز بیشتر است. میکروکلیمای حاصل از توسعه جنگل‌ها توأم با تقلیل درجه حرارت

هوا به‌ویژه در مناطق کوهستانی مانند رشته‌جبال زاگرس، البرز و... باعث افزایش بارندگی‌های سالانه خواهد بود. جذب آب‌های حاصل از بارندگی و نفوذ آنها به داخل زمین باعث افزایش سطح آب‌های زیرزمینی و قابل‌دسترس‌کردن آنها در فصول مختلف سال با نام چشمه یا قنات می‌شود. انبوه پوشش گیاهی خاک باعث جذب بیشتر آب و نفوذپذیری آن به داخل زمین خواهد بود. به‌طورکلی شرط اصلی احای محیط زیست حفظ عرصه‌های منابع طبیعی و محدودکردن فعالیت‌های کشاورزی در عرصه‌های منابع طبیعی است. تغییر کاربری عرصه‌های منابع طبیعی به فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری، سیردن سرنوشت گوسفند به دست قصاب است. ایران با توجه به دور شته جبال البرز و زاگرس همچنین سایر مناطق کوهستانی، بهترین پتانسیل را برای توسعه فضای سبز و افزایش بارندگی در منطقه دارد. سطوح اکثر این سلسله‌جبال‌ها در گذشته نه‌چندان دور از جنگل‌های انبوه پوشیده شده بودند که متأسفانه به دوری کنیم و در شرایطی دور از هرگونه هیجمن و عجول‌بودن دنبال چاره باشیم.

از طرفی مبرهن است که پردازش و تجزیه هر کدام از عوامل مذکور در کودک‌آزاری، در تحقیقات علمی و دقیق فراوانی نیاز دارد که از حوصله این متن خارج است، زیرا هدف کلی از نگارش مطلب حاضر این است که نگرش و رویکرد خود را در برخورد با ناهنجاری‌های مزبور

تغییر داده و از حقوق کودکان‌ونوجوانان نه‌تنها با حرف و احساس، بلکه در عمل دفاع و از تکرار اتفاقات تلخ و ناخوشایند جلوگیری کنیم؛ در غیر این صورت باید بدانیم که این چرخه ناگوار همچنان ادامه خواهد داشت و هر روز کودکانی دیگر قربانی خواهند شد و ما فقط فریاد خواهیم زد «جرم را قصاص کنید که فقط او مقصر است...». اما این پایان ماجرا نخواهد بود.